

روش‌شناسی مفاهیم و مقولات جامعه‌شناختی در قرآن کریم □

محمدباقر آخوندی^۱

غلامرضا جمشیدی‌ها^۲

چکیده

هدف: آیا می‌توان مفاهیم، مقولات و گزاره‌های جامعه‌شناسی را از قرآن مجید استنباط و استخراج کرد و مبتنی بر آن نظریه‌پردازی نمود؟ **روش:** روش تحقیق تحلیل اسنادی است. برای وصول به این هدف، تمام آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت و آیاتی که به نوعی به موضوع اشاره داشتند، استخراج شدند. سپس، مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی و نظریه‌زمینه‌ای، آیات و تفاسیر مورد نظر در ذیل هر آیه، به مفاهیم اصلی و فرعی تجزیه شدند و استنباط مفاهیم جامعه‌شناسی بر اساس مفاهیم تجزیه شده، صورت گرفت. **یافته‌ها:** بر این اساس، مقولات محوری و سپس خط اصلی داستان مشخص و مفاهیم اصلی و فرعی تبدیل به گزاره‌های جامعه‌شناسی شدند و با بررسی مجدد، گزاره‌های به دست آمده که بالغ بر ۱۰ هزار گزاره می‌شوند، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی شدند. **نتیجه‌گیری:** بر اساس طبقه‌بندی انجام شده، ۶۶ موضوع کلان جامعه‌شناسی به دست آمده است که تفسیر هر کدام از آنها زمینه نظریه‌پردازی در همان حوزه را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن مجید، تحلیل محتوا، نظریه‌زمینه‌ای، مقولات محوری، طبقه‌بندی.

□ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۵، تصویب نهایی: ۹۰/۳/۱۰

۱. دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه بیرجند / آدرس: بیرجند، دانشگاه بیرجند، گروه علوم تربیتی / شماره: ۰۵۲۱-۲۵۰۴۰۸ / Email: akhondi.mohammadbagher@gmail.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران / Email: gjamshidi@ut.ac.ir

■ بیان مسئله

جامعه‌شناسی از بدو پیدایش به عنوان علم، نسبت به موضوعات مختلف جامعه، مسائل اجتماعی و آسیبهای ناشی از آنها، حساسیت ویژه داشته، در این زمینه تلاشهای زیادی انجام داده است. پیدایی و ظهور نظریه‌های مختلف و گاه متضاد در عرصه جامعه‌شناسی (ریترز، ۱۳۷۹)، نشانی از این تلاش دارد. گاه ضریب نفوذ بسیاری از این نظریه‌ها، محدود به فرهنگ، جامعه و زمانی خاص بوده و فراتر از آن نرفته است (همان). تصور نزدیک به واقعیت آن است که ظهور هر نوع انحراف، کجی و مسئله اجتماعی، متناسب با فرهنگ و جامعه‌ای است که آن پدیده در آن به وجود آمده است؛ لذا می‌بایست راه حل و کنترل پدیده‌های انحرافی نیز برخاسته از نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ غالب آن جامعه صورت گرفته باشد. شاید نادیده انگاشتن چنین فرضی، دلیل ناکارآمدی به کارگیری نظریه‌های مربوط به مسائل مختلف در جامعه اسلامی باشد. این فرض، باعث و انگیزه رجوع به فرهنگ اسلامی؛ یعنی آخرین ذخیره الهی بوده است. تقریباً تمام مفسران قرآن اذعان دارند که تمام نیازهای حال و آینده بشر برای پیمودن مراحل سعادت، یکجا در قرآن مجید آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴؛ قرشی، ۱۳۷۱؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱). بنابر این، علمای هر زمان باید با تیزبینی متناسب با شرایط زمانی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش، از سر سفره بی‌انتهای الهی توشه‌ای برچینند و به مردم جامعه خویش اهدا کنند. جالب آنکه با نگاهی عمیق به روایات و سنت اهل‌الله نیز همین معنی عرشی، نمایان است؛ از جمله حدیث ثقلین^۱ که بی‌شک از لسان مبارک پیامبر رحمت (ص) در واپسین لحظات حیات صادر شد و برای بشر به یادگار ماند، همین فرض را تأیید می‌فرماید. گرچه مسلمانان پس از آن یگانه دوران، کاری غیر از آنچه ایشان فرمود، انجام دادند، اما این فرمایش همچنان اهمیت تمسک به قرآن و سنت را در زندگی اجتماعی و به ویژه بخش اساسی آن به عنوان حیات علمی بشر گوشزد می‌کند. تصور محقق آن است که می‌توان با به کارگیری روشهای تفسیری و کیفی تحقیق و با نگاهی جامعه‌شناختی به قرآن مراجعه کرد، آنچنان که در طول تاریخ علم، فلاسفه، عرفا، ادبا، فقها، شعرا و... هر کدام از نگاه خویش به این خوان رحمت الهی نگریسته و توشه‌های بسیار برداشته‌اند؛ بلکه غنای خیلی از علوم همانند فلسفه، عرفان، فقه، شعر و ادب فارسی و... از آن جهت است که نگاه قرآن در آنها لحاظ شده است. همچنین بخش عمده رشد و توسعه جامعه‌شناسی در غرب نیز مدیون تفسیر متون دینی و به ویژه مسیحیت بوده است. بنابر این، جامعه‌شناس تیزبین با نگاه خاص رشته خویش، می‌تواند با تواضع بر سر سفره قرآن بنشیند و با کمک از آن، حیات اجتماعی را نظریه‌مند کرده و

۱. «قال رسول الله صل الله عليه وآله وسلم: إني ناركك فيكم ثقلين ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي أخذتمنا أعظم من الآخر ولما كتبت الله خيرا مندوة من السماء إني لأرخص و أغرب من أهل بيتي لن يفتروا عليّ يوماً عليّ المؤمن فانظروا كيف تحفظوا عليّ في غيرته» (بخارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۹)

روش‌شناسی مفاهیم و مقولات جامعه‌شناختی در قرآن کریم ♦ ۱۲۳

برای مشکلات جوامع انسانی و به خصوص کشورهای اسلامی راهکارهای مناسب و قابل قبولی بیاید. همین انگیزه، زمینه پیگیری این سؤال را که آیا می‌توان گزاره‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی را از آموزه‌های قرآن کریم استخراج و بر اساس آن نظریه‌پردازی کرد، فراهم کرد. پاسخ به این سؤال با بهره‌گیری از تفاسیر شیعه و سنی از جمله چهار تفسیر گرانسنگ مجمع‌البیان، المیزان، نمونه و راهنما، میسر شد. در این مقاله، ضمن بررسی روش استخراج گزاره‌ها و مفاهیم مزبور، چگونگی طبقه‌بندی گزاره‌ها و مقولات محوری و نیز فراهم کردن زمینه تفسیر و تبیین موضوعی آنها، توضیح داده می‌شود. بنابر این، هدف اصلی و اساسی این پژوهش، رویکردی نظریه‌پردازانه در حوزه جامعه‌شناسی و مبتنی بر قرآن مجید است که با استعانت از ذات اقدس الهی ممکن خواهد شد.

▪ روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و حرکت از متن به نظریه است. از طریق تفسیر متن دو هدف را می‌توان پیگیری کرد: یکی، آشکار کردن گزاره‌های مورد نظر از متن و دیگری، تدوین نظریه‌های مبتنی بر گزاره‌های به دست آمده. در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای کیفی پنهان و کدگذاری و مقوله‌بندی نظری، گزاره‌های به دست آمده برای تدوین نظریه به کار گرفته می‌شوند. آن‌گونه که پیداست داده‌ها عبارت از متن قرآن و تفاسیر مربوط است و تحلیل و تبیین آنها با استفاده از روش مقوله‌بندی میسر می‌شود. بر اساس روش کدگذاری و مقوله‌بندی نظری، مفاهیم، مقولات و گزاره‌ها مشخص و بر اساس آن نظریه‌پردازی می‌شود. در این پژوهش از تحلیل محتوای کیفی و پنهان و نیز نظریه‌زمینه‌یابی به دلیل اینکه هر دوی آنها با مقوله‌بندی سروکار دارند، همزمان استفاده خواهد شد. ابتدا هر کدام از این دو روش را به اختصار توضیح می‌دهیم و بعد، چگونگی مقوله‌بندی را تشریح خواهیم کرد.

▪ تحلیل محتوای کیفی پنهان

تحلیل محتوا از جمله روشهای غیر واکنشی و غیر مداخله‌ای است که صاحب‌نظران پیرامون آن اختلاف نظرهای گوناگونی از قبیل کمی یا کیفی بودن، آشکار یا پنهان بودن، توصیفی یا تبیینی بودن و... دارند. مقوله‌بندی از مهم‌ترین کارهای تحلیل محتواست که سه ویژگی مهم و اساسی دارد:

۱. فراگیری؛ که تضمین می‌کند هر واحدی که در متن قرار دارد، مورد تحلیل قرار گیرد.
۲. طرد متقابل؛ که تضمین می‌کند هیچ واحدی در بیش از یک مقوله گنجانده نشود.
۳. استقلال؛ به این معنی است که هر مقوله‌ای هویتی مشخص و جداگانه دارد و ارزش آن از سایر مقولات جداست.

مقوله‌بندی در تحلیل محتوا بر اساس واحد ثبت صورت می‌گیرد که مولستی پنج مورد برای آن شامل کلمه، مضمون، کاراکتر، پاراگراف و مورد را برمی‌شمارد (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵). تحلیل محتوای کیفی از جمله روشهای تحلیل داده‌های متنی است که طی شش مرحله و با سه فن ذیل انجام می‌گیرد.

▪ مراحل تحلیل محتوا

الف) طرح؛ تعریف داده‌های مربوط به سؤالات تحقیق و نیز تعریف زمینه کاری تحقیق.

ب) واحدبندی؛ شناسایی واحدهای تحلیل از میان داده‌های موجود.

ج) نمونه‌گیری؛

د) کدگذاری؛ توصیف واحدهای ثبت‌شده و طبقه‌بندی آنها بر حسب مقولات انتخاب‌شده.

ه) استخراج نتایج؛ شناخت از نحوه پیوستگی مقولات و داده‌های کدگذاری شده.

و) معتبرسازی. (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۴۸-۳۴۹)

▪ فنون تحلیل محتوای کیفی

۱. تلخیص: گزاره‌هایی که ارتباط چندانی با پرسش تحقیق ندارند یا آنهایی که معنای مشابهی با سایر عبارتها دارند، کنار گذاشته می‌شوند و گزاره‌های مشابه، دسته‌بندی و خلاصه می‌شوند.
۲. تحلیل تفسیری: درست بر عکس روش اول عمل می‌کند؛ این روش عبارتهای پر طول و تفصیل، مبهم یا ضد و نقیض را از طریق وارد کردن داده‌های زمینه‌ای، با تحلیل، روشن و قابل فهم می‌کند.
۳. تحلیل ساختاریبخش: تحلیل محتوای ساختاریبخشی در داده‌ها به دنبال گونه‌ها یا ساختارهای صورتی می‌گردد. این ساختاربندی در سطح صورتی سنخ‌بندی و درجه‌بندی می‌شود. اما چنانچه محتوا را در نظر گیریم، سنخ‌بندی ساختارها به موارد ذیل قابل تقسیم است:
 - ساختاربندی صورتی: می‌توان بر اساس وجوه صورتی به تدریج یک ساختار درونی را از درون داده‌ها استخراج کرد.
 - ساختاربندی بر اساس محتوا: می‌توان داده‌ها را استخراج و محتوای آن را در حوزه‌های خاص خلاصه کرد.
 - ساختاربندی سنخ‌شناسانه: می‌توان در داده‌ها به دنبال یک خصیصه مهم و برجسته بود و آنها را بر اساس آن و با دقت بیشتری توصیف کرد.
 - ساختاربندی درجه‌ای: می‌توان داده‌ها را بر اساس وجوه درجه‌بندی شده، رتبه‌بندی کرد. (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۴۸-۳۴۹)

▪ نظریه زمینه‌ای یا کدگذاری نظری

در روشی که استروس و کوربین پیشنهاد می‌کنند، اطلاعات متن، تجزیه و شکسته می‌شوند و پس از مفهوم‌سازی، در ترکیبی جدید آرایش پیدا می‌کنند. این روش که کدگذاری نظری نامگذاری شده، به سه شکل صورت می‌گیرد که هر سه شکل آن در طول همدیگر قرار دارند. (کوربین و استروس، ۱۳۸۷)

۱. **کدگذاری باز (آزاد):** بخشی از تجزیه و تحلیل است که پس از جزء جزء کردن متن، مفاهیم استخراج و بر اساس مفاهیم به دست آمده، مقولات مشخص و نامگذاری می‌شوند. با مقایسه مفاهیم که در سطح عینی قرار دارند، مقولات که در سطحی انتزاعی‌تر نسبت به مفاهیم قرار می‌گیرند، کشف می‌شوند. در حقیقت؛ می‌توان گفت مقولات، همان مفاهیم، با سطح انتزاعی بالاتر هستند. بدین ترتیب، مقولات قادرند سایر مفاهیم و خرده‌مفاهیم را بر محور خویش جمع کنند. بر این اساس، رویدادها، پدیده‌ها و مفاهیم، مبتنی بر مشابهت‌ها و تفاوت‌های خود مقایسه می‌شوند و موارد مشابه، عنوانی واحد پیدا کرده، تحت یک مقوله قرار می‌گیرند. نامگذاری مقولات یا با استفاده از ذخیره مفهومی که محقق در مطالعات رشته تخصصی خود در ذهن انباشته، اختراع و پیشنهاد می‌شوند یا نامگذاری زنده است؛ یعنی از همان متن مورد تجزیه و تحلیل بهره گرفته می‌شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۷). در طرح پیشنهادی استروس و کوربین، از طریق طرح سؤال و مقایسه مفاهیم با همدیگر، حساسیت نظری مقولات افزایش می‌یابد.

۲. **کدگذاری محوری:** بعد از مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری آغاز می‌شود. بدین ترتیب که مقولات به دست آمده از کدگذاری باز، پالایش و تفکیک می‌شوند. هر چه مقولات محوری با عبارتهای بیشتری انطباق و تناسب داشته باشند، بر معنای آنها افزوده می‌شود. در حقیقت؛ کدگذاری محوری فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی با مقوله‌های اصلی است که به طور طبیعی شامل تفکر خیالی می‌شود (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۳۵). در کدگذاری محوری، تکیه روی مشخص کردن یک مقوله با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد، قرار دارد که آن شرایط عبارتند از: زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده؛ راهبردهای کنش و کنش متقابل که مقوله به وسیله آنها اداره و کنترل می‌شود و به انجام می‌رسد و پیامدهای آن راهبردها. این گونه مشخص کردن مقوله، به آن دقت و ظرافت می‌بخشد، از این رو آنها را خرده‌مقوله می‌نامند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰). در کدگذاری محوری نیز بسط و گسترش مقولات و جمع شدن آنها تحت مقوله‌ای واحد، به وسیله شیوه اصلی تجزیه و تحلیل؛ یعنی طرح سؤال و مقایسه صورت می‌گیرد. با این دو شیوه در کدگذاری محوری مدام بین دو نوع تفکر استقرایی و قیاسی در حرکتیم؛ بدین معنی که درباره روابط به طور قیاسی اظهاراتی ارائه می‌دهیم یا خصوصیات ممکن و ابعاد آنها را ضمن کار با داده‌ها پیشنهاد می‌کنیم. سپس سعی می‌کنیم در عمل آنچه از داده‌ها، در ضمن مقایسه موارد با همدیگر به دست آورده‌ایم، به تأیید برسانیم. این امر نشانگر

تأیید دوسویه بین ارائه پیشنهاد و نظارت بر آن است. این حرکت به جلو و عقب، چیزی است که نظریه ما را نظریه مبنایی می‌کند (همان، ص ۱۰۲). مفاهیم و روابطی که با تفکر قیاسی کسب شده‌اند، باید چندین بار در مقابله با داده‌های واقعی تأیید شوند. بنابر این، نظریه نهایی مربوط به روابطی است که در داده‌های واقعی گردآوری شده، وجود دارند (همان، ص ۱۱۳). در این نظریه به اندازه کافی اطلاعات گردآوری می‌کنید و به طور مرتب برای مقولات و روابط بین آنها شواهدی عینی و ملموس فراهم می‌آورید؛ هر چند بعداً نیز می‌توانید این روابط را به صورت کمی بیازمایید. (همان)

۳. **کدگذاری انتخابی یا گزینشی:** در اینجا کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌یابد و تحلیل از سطح توصیفی فراتر رفته، خط اصلی داستان تشریح می‌شود. به عبارت دیگر؛ انتخاب مقوله اصلی به طور منظم پیگیری و روابط آن با سایر مقولات مشخص می‌شود. از سویی دیگر جاهای خالی روابط با مقوله‌ای که نیاز به گسترش دارد، پر می‌شود. در این مرحله به مقوله‌ای که دست یافته‌اید، غنا می‌بخشید و روابط بین آنها را مشخص می‌کنید (همان). ارتباط دادن مقولات به مقوله اصلی به وسیله الگو صورت می‌گیرد و برای نظم بخشیدن روابط بین مقولات، از تلفیق تفکر استقرایی و قیاسی بهره می‌گیریم که در آن، مدام بین سؤال، ارائه توضیح و مقایسه کردن، در رفت و آمد هستیم. همچنین برای رسیدن به یکپارچگی، لازم است محقق خط اصلی داستان را مشخص کند. اگر این بحث به درستی تعریف شود، خصوصیات مقوله اصلی نیز مشخص خواهد شد. وقتی خصوصیات مقوله اصلی مشخص شود، قدم بعدی، ربط دادن سایر مقولات به مقوله اصلی است. در هر صورت پس از آنکه چارچوب رضایت‌بخش به نظر رسید، محقق می‌تواند به عقب برگردد (همان). با مشخص شدن خط اصلی داستان، مقولات اصلی و فرعی خود به خود طبقه‌بندی و گروه‌بندی می‌شوند. گروه‌بندی مقولات و مفاهیم، به نظریه، صراحت و وضوح می‌بخشد و به محقق امکان می‌دهند که بگویند چه اتفاقی خواهد افتاد. بر اساس نظر استروس و کورین، معیار توقف تحلیل، اشباع نظری است؛ هر زمان به اشباع نظری نایل شویم، دیگر نیازی به ادامه نیست.

در این مقاله، فرایند استخراج مفاهیم اجتماعی از قرآن، از روش تحلیل محتوای کیفی پنهان و نیز کدگذاری نظری که به سه شکل، آزاد، محوری و انتخابی صورت می‌گیرد، انجام شده است. بر این اساس، مفاهیم، مقولات و گزاره‌ها طی مراحلی که به تشریح آن خواهیم پرداخت، صورت گرفته است. قبل از ذکر مراحل مزبور به چند نکته آغازین و مهم اشاره می‌کنیم.

روش‌شناسی مفاهیم و مقولات جامعه‌شناختی در قرآن کریم ♦ ۱۲۷

الف) در این پژوهش، آیات شریفه قرآن مستقیماً مبنای تحقیق قرار نگرفته‌اند، بلکه تفسیر راهنما، به دلیل ویژگی‌های بدیع و منحصر به فردش، اساس کار قرار گرفت و به تناسب هر آیه شریفه، از مباحث تفاسیر مختلف از جمله سه تفسیر گرانسنگ و ارزشمند المیزان، نمونه و مجمع‌البیان نیز بهره‌های فراوان گرفته شد. ب) اگر چه در استخراج مفاهیم، تطبیق‌سازی به زبان جامعه‌شناسی و ارائه مطالب، امکان توضیح وجود داشت، اما برای شروع، مجموعه استنباط‌ها به صورت گزاره‌های منطقی پیگیری و ارائه شد.

ج) در این پژوهش سعی شده آیاتی مورد توجه قرار گیرند که به نوعی به مباحث مربوط به موضوع علم جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی اجتماعی پرداخته‌اند یا موضوعاتی را طرح می‌کنند که آثار و پیامدهای اجتماعی دارند.

د) این پژوهش، تحقیقی بین‌رشته‌ای است و هیچ‌گاه سعی نکرده نظریه‌های علم جامعه‌شناسی را بر مباحث قرآنی تحمیل کند؛ بلکه به گونه‌ای عمل شده که بدون توجه به نظریه‌های جامعه‌شناسی در موضوعات مختلف، مباحث و نتیجه‌گیری‌های قرآنی در قالب اصطلاحات جامعه‌شناسی و به صورت گزاره‌های منطقی با محتوای قرآنی ارائه شود. در نخستین مرحله، استخراج و ارائه گزاره‌ها و مفاهیم اجتماعی، طبق سنت تفسیری از اولین آیه قرآن شروع و به آخرین آیه ختم و سپس مقولات محوری و خط اصلی داستان مشخص شد.

▪ نمونه‌گیری

راهبرد نمونه‌گیری در این پژوهش، تدریجی و بر پایه نمونه‌گیری نظری است. به اعتقاد گلیسر و اشتراوس، نمونه‌گیری نظری عبارت است از: فرایند گردآوری داده‌ها برای خلق نظریه به قسمی که تحلیلگر به طور همزمان و پیوسته داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد در هر مرحله چه داده‌هایی را گردآوری و کجا آنها را پیدا کند، تا بدین وسیله نظریه‌اش را همراه با تدوین پیروانند (فلیک، ۱۳۸۷؛ بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷). نکته مهم در این نمونه‌گیری، «اشباع نظری» است و منظور از آن این است که افزودن نمونه تا جایی ادامه می‌یابد که دیگر بینش و بصیرتی افزوده نشود و به عبارت روشن‌تر؛ تا وقتی پژوهشگر متوجه شود چیز تازه‌ای کشف نمی‌شود. در اینجا تصمیم‌های مربوط به نمونه‌گیری همگام با نظریه، رشد و تکامل می‌یابند و نمی‌توان از پیش تعیین کرد حجم نمونه چقدر باید باشد. از این رو، همان گونه که در بحث روش تحقیق ملاحظه شد، نمونه‌گیری کاملاً با مراحل کدگذاری عجین شده و نمی‌توان در آن تفکیکی ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که همواره نمونه‌گیری صورت می‌گیرد، اما ملاک توقف نمونه‌گیری، اشباع نظری نبوده، بلکه تا هر جا که احساس شده آیات به مباحث اجتماعی می‌پردازند، تحقیق ادامه یافته است. همچنین در هر مرحله از تحقیق که نقصی در مباحث مشاهده شده، مجدداً به آیات و

تفسیر مربوط مراجعه شده است؛ به گونه‌ای که این رفت و برگشت از نتایج به آیات و تفاسیر و بر عکس، کاری روزانه و حتی لحظه‌ای شده است.

○ مرحله اول: تشخیص مفاهیم اجتماعی بر اساس نمونه‌گیری نظری

ابتدایی‌ترین کاری که باید صورت می‌گرفت، مشخص کردن آیاتی بود که راجع به موضوعات اجتماعی بحث می‌کردند. این مهم در نخستین گام از طریق فهم دقیق آیات و برداشتهای پیرامون آن در تفسیر راهنما، نمایه آخر هر آیه و رجوع اولیه به مباحث مطرح در سه تفسیر المیزان، نمونه و مجمع‌البیان امکان پذیر شد. در فرایندی که برای تشخیص آیات مربوط به مباحث اجتماعی در نظر گرفته شد، نکات ذیل قابل طرح است:

الف) بررسی‌ها نشان داد بعضی از آیات به مباحث اجتماعی نمی‌پردازند یا پیامدها و آثار اجتماعی را طرح نمی‌کنند. بنابر این، این دسته از آیات، موضوع بحث قرار نگرفت و هیچ اقدام پژوهشی پیرامون آنها انجام نشد. در این رابطه می‌توان به آیاتی که به صفات خداوند می‌پردازند اشاره کرد. (از جمله: آیات ۱ تا ۶ سوره حدید یا آیات ۲۲ تا آخر سوره حشر)

ب) در بعضی از آیات، امکان واکاوی و استخراج مباحث اجتماعی وجود نداشت، اما محققان تفسیر راهنما، ضمن مراجعه به منابع تفسیری و روایی گوناگون، برداشتهایی را ارائه کرده بودند که به مباحث اجتماعی می‌پرداخت. در این موارد، همان برداشتهای اجتماعی مطرح شده در تفسیر راهنما مورد توجه قرار گرفت و تحقیق پیرامون آنها ادامه یافت. شایان ذکر است که این دسته از آیات، به صورت صریح به گزاره‌های جامعه‌شناختی استخراج شده اشاره ندارند و لازم است گزاره‌های استخراج شده با توجه به برداشتهای تفسیر راهنما در نظر گرفته شوند. (از جمله: آیه ۲۸۱ سوره بقره)

ج) دسته‌ای از آیات، هم از نظر ظاهر و هم با عنایت به برداشتهای پیرامون آن در تفسیر راهنما، به مباحث اجتماعی می‌پرداختند. در چنین آیاتی که بیشترین حجم فعالیت پژوهشی این طرح را تشکیل می‌دادند، مورد به مورد برداشتهای تفسیر راهنما تجزیه و کار استخراج مفاهیم و سپس گزاره‌های جامعه‌شناسانه از آنها پیگیری شده است. برای ابقان و استحکام مطالب استخراج شده، علاوه بر تکیه بر برداشتهای تفسیر راهنما، به سایر تفاسیر از جمله: المیزان، نمونه و مجمع‌البیان نیز مراجعه شده است. (برای نمونه: آیه ۲۱۳ سوره بقره)

د) دسته چهارم از آیات قرآن، آیاتی بودند که از هیچ کدام از آنها به تنهایی نمی‌توان مفاهیم اجتماعی را استخراج کرد؛ اما با کنار هم قرار دادن چند آیه که به طور مشترک شرایط خاصی را طرح و بررسی می‌کنند، امکان استخراج و ارائه مفاهیم و گزاره‌های اجتماعی فراهم می‌شد. نکته قابل توجه اینکه، این

روش‌شناسی مفاهیم و مقولات جامعه‌شناختی در قرآن کریم ♦ ۱۲۹

موضوع در تفسیر راهنما نادیده گرفته شده و تنها به تجزیه تک‌تک آیات به تنهایی پرداخته شده؛ در حالی که در سایر تفاسیر (المیزان، نمونه و مجمع‌البیان)، این موضوع به خوبی قابل استفاده است. در این پژوهش نیز با مراجعه به سه تفسیر یاد شده، مفاهیم و گزاره‌های جامعه‌شناسانه استخراج و ذیل همان آیات پشت سر هم ارائه شده است (از جمله: آیه ۶۰ و ۸۲ سوره اسراء). اگر این آیات شریفه یا همدیگر در نظر گرفته شوند، مفاهیم و گزاره‌های اجتماعی زیر از آنها قابل استنباط است.

ه) دسته پنجم آیت‌های بودند که اگر خود آنها را به طور کلی و عام در نظر بگیریم، به مباحث اجتماعی می‌پردازند؛ اما با روش خاصی که در تفسیر راهنما به کار گرفته شده، هیچ برداشت اجتماعی ذیل آن آیه ثبت نشده است. در این موارد نیز اصل بر مراجعه به سایر تفاسیر (المیزان، نمونه و مجمع‌البیان) قرار گرفت و چنانچه در آنها مباحث اجتماعی پیرامون این گونه آیات طرح شده بود، مورد بررسی بعدی قرار می‌گرفتند. از جمله آیه ۲۵ سوره عنکبوت^۱ که با مراجعه به تفسیر نمونه و المیزان، مفاهیم و گزاره‌های اجتماعی ذیل از آن استنباط و ارائه شده است:

۱. قبل از ارائه هر پیام لازم است زمینه‌ی ارزشی مناسب آن پیام در جامعه به وجود آید.
۲. یکی از شرایط تأثیرگذار بودن پیام آن است که گرایش و تمایل نسبت به آن پیام در جامعه وجود داشته باشد.
۳. ارائه ارزشها، باورها و هنجارهایی که افراد به آنها پایبند بوده، گرایش و تمایل مثبت دارند، زمینه‌ی تقویت پایبندی بیشتر نسبت به آنها را فراهم کرده، سبب از میان رفتن انحرافات و کجروی‌های اجتماعی می‌شود.
۴. ارائه ارزشها، باورها و هنجارهایی که افراد جامعه به آنها پایبند نبوده، گرایش و تمایل منفی دارند، زمینه‌ی دوری و تنفر بیشتر مردم از آن ارزشها، باورها و هنجارها را فراهم می‌کنند.
۵. فرهنگ قرآن به عنوان فرهنگ مکتوب اسلام، زمینه‌ی اصلاح انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و شخصیتی افراد را در جامعه دینی فراهم می‌کند.
۶. پایبندی و گرایش به نظام فرهنگی اسلام (قرآن مجید) سبب کاهش جرم و انحراف و ناپایبندی به آن سبب افزایش جرم و انحراف در جامعه می‌شود.
۷. یکی از عواملی که نوع و میزان تأثیر پیام را تعیین می‌کند، ساخت ذهنی افراد جامعه است.
۸. تأثیر نفوذ یک پیام در جامعه، متفاوت و در پیوستاری از درجات مثبت و منفی قرار می‌گیرد.

۱. «وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مُّؤَدَّةً لِّيَدَيْكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَمَّا كُنتُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَلَّغْتُمْ نَفْسَكُمْ نَفْسًا وَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۲۵).
تأسیسین و ابراهیم گفت جز خدا فقط نهایی را اختیار کرده‌اید که آن هم برای دوستی میان شما در زندگی دنیاست. آنگاه روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت می‌کنند و جانان در آتش است و برای شما پاوردهای نخواهد بود.

۹. هر چند پیام برای جامعه مثبت و مفید باشد، در همه مردم تأثیر یکسانی نداشته، بسته به عوامل مختلف، دارای تأثیرات مثبت و منفی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۸؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵؛ قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۸)

و) آخرین نکته در بحث تشخیص، آن است که نظر و سلیقه محقق، کمترین نقش را در استخراج و ارائه گزاره‌های جامعه‌شناسانه داشته است. در واقع؛ آنچه مهم بود و مورد توجه قرار گرفت، استخراج مفاهیم اصلی و فرعی از برداشتهای اجتماعی در تفسیر راهنما و سایر تفاسیر (المیزان، نمونه و مجمع‌البیان) و ارائه آنها در قالب گزاره‌های جامعه‌شناختی بود.

○ مرحله دوم: تجزیه و تفکیک مفاهیم

گام دوم پس از تشخیص آیاتی که به مباحث اجتماعی می‌پردازند، تجزیه و تفکیک برداشتهای تفسیر راهنما و مباحث مطرح شده در سه تفسیر مورد نظر پیرامون آیات، به مفاهیم اصلی و فرعی بود. این گام نتایج ذیل را در بر داشت:

۱. مفاهیم و عناصر اصلی تشکیل دهنده آیه و نیز برداشتهای پیرامون آیه و نیز مباحث تفسیری، مشخص شد.
۲. مفاهیم و عناصر فرعی و حاشیه‌ای مربوط به آیه نیز از دو طریق به دست آمد: برداشتهایی که در تفسیر راهنما از روایات و تفاسیر دیگر به دست آمده بود و مباحث حاشیه‌ای که در سه تفسیر مورد نظر پیرامون آیه شریفه مطرح شده بود.
۳. پس از مشخص شدن عناصر و مفاهیم اصلی و فرعی، حوزه‌ها، عرصه‌ها، شرایط و موقعیتهای جدیدی که در نتیجه نوع روابط این مفاهیم شکل می‌گرفت، مشخص شد. مشخص شدن عناصر و مفاهیم اصلی و فرعی چندان مشکل نبود، اما به دست آوردن عرصه‌هایی که این مفاهیم در آن عرصه‌ها و زمینه‌ها موقعیتهای جدیدی را شکل می‌دهند، دشوار بود. گر چه چگونگی و نوع روابط مفاهیم با همدیگر از طریق مباحث تفسیری به دست می‌آمد، اما تشخیص نوع شرایط و موقعیتهای جدیدی که بر اثر روابط مفاهیم به وجود می‌آمد، باز هم دشوار و سخت بود. در مواردی که مشخص نبود، عرصه‌ها، شرایط و موقعیتهای حاصل شده جدید، اجتماعی‌اند یا فرهنگی، ساختاری‌اند یا در سطح کنشها، ذهنی‌اند یا عینی، مجموع شرایط آیه و آیات قبل و بعد آن و نیز رجوع به سه تفسیر المیزان، نمونه و مجمع‌البیان، مبنای کار قرار گرفت.

○ مرحله سوم: معادل‌سازی مفاهیم تجزیه شده به زبان جامعه‌شناسی

در نتیجه تجزیه و تفکیکی که صورت گرفت، مجموعه‌ای مفاهیم اصلی و فرعی و نیز شرایط، موقعیتها و روابط مفاهیم با همدیگر به دست آمد که تطبیق و معادل‌سازی به زبان جامعه‌شناسی در مورد آنها صورت گرفت. این مرحله، دشوارترین و پیچیده‌ترین مرحله تحقیق بود که توان و وقت زیادی را به خود اختصاص داد. پیچیدگی آن بدان جهت بود که محدودیتهای فراوان جامعه‌شناسی باعث می‌شد تطبیق و معادل‌سازی بسیاری از مفاهیم بلند و غنی قرآنی به زبان این علم میسر نشود یا با دشواری و سختی امکان پذیر باشد. در این رابطه، مجموعه مفاهیم تجزیه شده تفسیر را می‌توان به چند بخش ذیل تقسیم کرد:

۱. بخشی از مفاهیم و عناصر به روشنی قابل تطبیق و معادل‌سازی به زبان جامعه‌شناسی بودند و هیچ مشکلی در این رابطه وجود نداشت؛ همانند امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ، فروع دین و پایبندی به آنها و... این بخشی از مفاهیم را تنها از طریق مراجعه‌ای مختصر به کتابهای مبانی جامعه‌شناسی و در نظر گرفتن تعریفهای مربوط، می‌توان تطبیق داد و معادل‌سازی کرد.

۲. بخش دوم، مواردی بودند که به دلیل محدودیت پیش‌گفته جامعه‌شناسی، امکان تطبیق و معادل‌سازی آنها به سختی امکان‌پذیر می‌شد؛ همانند انفاق و تأثیرات آن، نفاق و شرایط آن، امت، قریه، قوم، ایمان، تقوا و... در این موارد با مطالعه وسیع منابع جامعه‌شناسی و به ویژه نظریه‌های آن در حوزه‌های گوناگون، سرانجام با اندکی اغماض، تطبیق و معادل‌سازی صورت گرفته است و در خیلی از موارد، از همان مفاهیم استفاده شد.

۳. بخش سوم از مفاهیم و عناصر دینی شامل مواردی بودند که تقریباً امکان معادل‌سازی آنها به زبان جامعه‌شناسی با تمام مطالعه و تلاشی که صورت گرفت، فراهم نشد؛ همانند نقاط عطف در زندگی اجتماعی و تأثیرات اجتماعی و شخصیتی آن، نظام یکپارچه دین و... در این موارد سعی شد بدون معادل‌سازی، همان مفاهیم دینی با روشی جامعه‌شناسانه تبدیل به گزاره شده و ارائه شود.

۴. تطبیق و معادل‌سازی شرایط، موقعیتها و روابط بین مفاهیم دینی نیز با سختی و پیچیدگی همراه بود، اما نه به اندازه مفاهیم و عناصر اصلی. برای نمونه در تفسیر آیاتی از قرآن مجید شرایطی به گونه‌ای توضیح داده شده بود که به روشنی و با توجه به تعریف ساختارهای اجتماعی امکان معادل‌سازی آن شرایط با ساخت اجتماعی فراهم بود.

۵. یکی از نکات مهم در این تحقیق آن است که به دلیل مبنا قرار گرفتن چهار تفسیر و به ویژه تفسیر راهنما - که خود از منابع متعدد بهره گرفته است - بعضی از مفاهیم و شرایط معادل‌سازی شده به زبان جامعه‌شناسی، در طول تحقیق با همدیگر مطابقت کامل ندارند. برای نمونه، گزاره‌هایی که در مورد

تضاد اجتماعی به دست آمده، در بعضی موارد با همدیگر منطبق و همراه نیست؛ این امر ناشی از تفاوت در تفاسیر است که در دومین مرحله تحقیق سعی شده برطرف شود.

○ **مرحله چهارم: تبدیل مفاهیم به گزاره ها**

یکی از مهم ترین مراحل تحقیق این بود که پس از تطبیق دادن مفاهیم و به دست آوردن معادل جامعه شناسی آنها، مفاهیم کدگذاری شده به صورت گزاره استخراج و ارائه شوند. شایان ذکر است که در مرحله آگزویماتیزه کردن، دو طرف قیاس و نیز جهت و نوع رابطه بین آن دو، به طور کامل از تفاسیر اخذ شده است. گرچه ممکن است استنتاجهای منطقی از یک تفسیر به دست نیامده باشند، اما هنگامی که مجموع چهار تفسیر یاد شده در نظر گرفته شده‌اند، جهت و نوع رابطه دو طرف قیاس را نشان داده‌اند. در هر حال، مهم آن بود که مطالب تفاسیر ذیل هر آیه به زبان جامعه‌شناسی معادل‌سازی و از تحمیل برداشتها و تفاسیر محقق بر آیات قرآن اجتناب شود.

○ **مرحله پنجم: تأیید و نظارت مستمر**

پس از به دست آمدن آگزویوم‌های مورد نظر به زبان جامعه‌شناسی، موارد به دست آمده در گروهی دو نفره، مورد بحث، اصلاح و یکپارچه‌سازی قرار گرفت و در نهایت، مورد تأیید و اصلاح فرد سوم به عنوان استاد ناظر قرار گرفت. پس از تأیید استاد ناظر، کار تدوین گزاره‌های به دست آمده آغاز شد. تدوین گزاره‌ها بدین شکل بود که ابتدا آیه و ترجمه آن مطرح و بعد از آن، برداشتهای تفسیر راهنما و سپس گزاره‌های استخراج شده آنها به ترتیب آمده است. این اقدام، مرحله بعدی را با سهولت بیشتری امکان‌پذیر کرد.

○ **مرحله ششم: تعیین مقولات محوری و مشخص کردن خط اصلی داستان**

طی دوره نسبتاً طولانی ده ساله، پس از استخراج مفاهیم اصلی و فرعی و معادل‌سازی آنها به زبان جامعه شناسی، بیش از ۱۰ هزار گزاره مبتنی بر مفاهیم اصلی و فرعی استخراج و مجدداً برای تعیین مقولات محوری، در ۳۵۰۰ فیش ثبت شد. فیش‌های حاصل بر اساس موضوع، طبقه‌بندی و تنظیم شد. نتیجه این کار که حدود دو سال به طول انجامید، مشخص شدن مقولات محوری و نیز خط اصلی داستان در قالب ۶۶ موضوع کلان جامعه‌شناسی بود. هر یک از این موضوعات، خود به موضوعات ریزتری تقسیم می‌شوند که زمینه نظریه‌پردازی در همه آنها فراهم است. بعضی از موضوعات به دست آمده برای اولین بار در حوزه جامعه‌شناسی مطرح می‌شوند و حداقل نگارنده سراغی از آنها در جامعه‌شناسی پیدا نکرده است.

جامعه‌شناسی هنجارها، ارزشها و باورها	جامعه‌شناسی نخبگان دینی و اجتماعی
جامعه‌شناسی رهبری و جامعه	جامعه‌شناسی اقتصادی
جامعه‌شناسی زبان و گفتار	جامعه‌شناسی فرایندهای اجتماعی

جامعه‌شناسی سفر و مسافرت	جامعه‌شناسی سیاسی
جامعه‌شناسی تغییر و تحولات اجتماعی	جامعه‌شناسی نظارت و کنترل اجتماعی
جامعه‌شناسی کفر و ایمان	جامعه‌شناسی فرهنگ
جامعه‌شناسی اهداف	کنشهای اجتماعی
جامعه‌شناسی حج و مناسک دینی	جامعه‌شناسی تضادهای اجتماعی، فرهنگی و دینی
جامعه‌شناسی انقراض فرهنگها و جوامع	جامعه‌شناسی روابط اجتماعی
جامعه‌شناسی نفاق	جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی
جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی	جامعه‌شناسی تأثیر‌گذاری و تأثیر‌پذیری
جامعه‌شناسی امید	جامعه‌شناسی گروههای اجتماعی
جامعه‌شناسی ایده‌آلها و الگوها	جامعه‌شناسی اصلاح اجتماعی
کثرت‌گرایی فرهنگی و دینی	جامعه‌شناسی نقاط عطف و حساس
جامعه‌شناسی قوم یهود	جامعه‌شناسی انسجام اجتماعی
اعتماد اجتماعی	جنگ روانی
جامعه‌شناسی ساخت روابط جنسی	دینداری و پایبندی به دین
جامعه‌پذیری و فرایند حفظ و تقویت آن	شخصیت و چگونگی شکل‌گیری آن
جامعه‌شناسی نماز	جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای رزمنده
جامعه‌شناسی انفاق و مدد‌رسانی	جامعه‌شناسی اندیشه و فکر
جامعه‌شناسی اختیار و انتخاب	جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج
جامعه‌شناسی زمان و مکان	جامعه‌شناسی دنیا‌گرایی
جامعه‌شناسی پول و قدرت	جامعه‌شناسی تاریخی
جامعه‌شناسی فقر	جامعه‌شناسی ادیان الهی
جامعه‌شناسی رفاه و رونق اقتصادی	جامعه‌شناسی ساختارهای ذهنی
جامعه‌شناسی زیبایی و زشتی	جامعه‌شناسی قوام‌گرایی
جامعه‌شناسی سلطه و سلطه‌پذیری	هویت جمعی و دینی
جامعه‌شناسی تبلیغ	جامعه‌شناسی خرافه
جهانی‌شدن فرهنگ و دین	جامعه‌شناسی عواطف و احساسات
جمعیت و جامعه	جامعه‌شناسی گرایشها و علاقه‌مندی‌ها

جامعه‌شناسی تعهدات دینی و اجتماعی	روش مقایسه‌ای و تطبیقی در تحقیق
جامعه‌شناسی نیازهای دینی	جامعه‌شناسی جوامع اولیه
جامعه‌شناسی محیط زیست و طبیعت	جامعه‌شناسی آینده

▪ نتیجه‌گیری

آنچه حاصل شده تنها دو مرحله از انجام پژوهشی کلان در حوزه قرآن پژوهی است و مرحله سوم آن با تفسیر و تبیین هر کدام از موضوعات اشاره شده، به صورت مقالات جداگانه، میسر خواهد شد. آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق می‌توان با قاطعیت گفت امکان استخراج مفاهیم جامعه‌شناسی از قرآن کریم وجود دارد و می‌توان بر این اساس نظریه‌پردازی کرد. تفاوت اینجاست نمایان می‌شود که نظریه‌های به دست آمده از این طریق، بومی و مبتنی بر فرهنگ دین خواهند بود. از سویی دیگر، با پویایی فرهنگ اسلامی، امکان بازسازی و ترمیم همواره نظریه‌هایی که از این طریق به دست می‌آیند، فراهم است.



منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه فولادوند، الهی قمشای و المیزان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان‌العرب، بیروت، [بی‌نا].
- ابن هائم، شهاب‌الدین احمد بن محمد (۱۴۲۳ ق)، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- استراس، آنسلم، و کورین، جودیت (۱۳۸۷)؛ اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق)؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعث.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶)؛ تفسیر جامع، تهران، صدر، ج ششم.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۷)؛ طواحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی.
- حقی بروسوی، اسماعیل (۱۴۲۴ ق)؛ تفسیر روح‌البیان، بیروت، دارالفکر.
- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)؛ تفسیر مفتاح‌الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)؛ روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ ق)؛ فی ظلال القرآن، بیروت، قاهره، دارالشروق، ج هفدهم.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)؛ تفسیر شریف لاهیجی، تهران، نشر داد.
- شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵ ق)؛ جامع‌الأخبار، قم، رضی.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)؛ پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج چهارم.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج پنجم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش، نوبت چاپ: پنجم.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)؛ تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ج سوم.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۷)؛ الطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)؛ مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)؛ تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ج چهارم.
- علامه حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۱) انسان و قرآن، انتشارات قیام، قم، ۱۳۸۱
- فرات کوفی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق)؛ تفسیر فوات الکوفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق)؛ تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعه والنشر، ج دوم.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق)؛ تفسیر فیض کاشانی، تهران، صدر.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)؛ تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ج یازدهم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)؛ تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ج سوم.
- قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۱)؛ واژه‌شناسی قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶)؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کرمی خونیری، محمد (۱۴۰۲ ق)؛ التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه.
- مترجمان (۱۳۷۷)؛ ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ج دوم.
- مترجمان (۱۳۵۶)؛ ترجمه تفسیر طبری، تهران، توس، ج دوم.
- مترجمان (۱۳۶۰)؛ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق)؛ من هدی القرآن، تهران، دار معجی الحسین.
- مقتیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق)؛ تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

روش‌شناسی مفاهیم و مقولات جامعه‌شناختی در قرآن کریم ♦ ۱۳۷

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴)؛ ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج پنجم.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق)؛ تفسیر آسان، تهران، اسلامیه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۲) تفسیر راهنما، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۲

